

تلخ ترین موجود روی زمین

سالهای آخر عمر ، شب ها در یک جا نمی خوابید و او در کجا خواهد خوابید و این فکر که قصد جان او را دارند او را لحظه ای راحت نمی گذاشت و عده ای را فقط به این خاطر کشت که فکر می کرد آنها می خواهند او را بکشند. او حتی در کاخ کرملین هم با جلیقه ضد گلوله می گشت و به دستور او همه جا را پر از محافظین مطمئن کرده بودند . مواد اولیه غذایی که استالین می خورد از مزارعی تهیه می شد که مستقیماً تحت نظر پلیس مخفی ان.کی.وی. یو بود. این مواد غذایی ابتدا به وسیله یک گروه پزشکی مورد آزمایش قرار می گرفت و بعد به یکی از محافظین استالین خورانده می شد تا آلوده به سم نباشد . سر میز غذا نیز ، استالین همیشه آخرین نفری بود که غذا خوردن را شروع می کرد.»

خروشچف درباره مرگ استالین در خاطرات خود می گوید: « شنبه شب را در ویلای استالین گذرانیدیم. وی که مشروب زیادی خورده بود، کاملاً سر حال بود و کم ترین نشانه ای از ناراحتی جسمانی در او دیده نمی شد. تا داخل راهرو، ما را بدرقه کرد و با شادمانی به ویلای خود برگشتیم. شب بعد، ناگهان زنگ تلفن به صدا در آمد که برای استالین ناراحتی پیش آمده است . همه ما جمع شدیم و به ویلای او رفتیم، پترونا مستخدم پیراستالین گفت: رفیق استالین بر روی کف اتاق بزرگ خود به خواب رفته است . هر کاری که از دست ما بر می آمد انجام دادیم تا او را زنده نگه داریم . اما او بی هوش بود در طول روز یکبار به هوش آمد اما قادر به صحبت کردن نبود. «بریا» رئیس امنیت داخلی و یار غار استالین، هنگام دیدن جسد نیمه جان وی به صورت او تَف کرد . ناگهان تنفس استالین بند آمد و او در گذشت. زیرا مرگ یک واقعیت بود.»

«اسوتالانا» دختر استالین که پدر خود را تلخ ترین موجود روی زمین می دانست، می گفت: «او همه را دشمن خود می دید و رفته رفته کارش به جنون می کشید.» /

دوره سیطره و حکومت استالین بر شوروی سابق، از هولناک ترین دوره های تاریخ این کشور است . وی در سی سال حکومت خود ، بیش از چهار صد سال فرمان روائی تزارها، خون مردم بیگناه را ریخت و حکومتی بر پا کرد که در آن ، تمام اختیارات به دست خودش بود و این حکومت، با وحشتی که عمال آن در دل مردم انداخته بودند حفظ می شد. در ژانویه سال ۱۹۴۶ ، به دستور وی دسته ای مخصوص قتل و خرابکاری در خارج از کشور به کار گمارده شد ، که این دسته ، تحت نظر پلیس مخفی اداره می شدند. اولین رئیس گروه یک قهرمان جنگ به نام «پاول آتاتولویچ سودوپلاتوف» بود. او یک بار به مسئول استخدام افراد این گروه گفت:

«دنبال افرادی بگرد که نقص عضوی دارند، زشت هستند و یا عقده ای و کسانی که شهوت قدرت دارند و هیچ وقت نتوانسته اند به آن دست یابند. چنین افرادی احساس می کنند که با کار کردن در اداره ما، قدرتی به دست آورده اند و با آن می توانند عقده های خود را سر افراد دارا، خوش قیافه و سالمی که در اطرافشان قرار دارند ، خالی کنند و برای اولین بار در زندگی خود، احساس مهم بودن می کنند. موضوع تأسف آوری است که بعضی از انسان ها، چنین حالتی دارند . ولی ما باید از آنها استفاده کنیم.» جالب این است که نیکولائی بوخائین یکی از یاران نزدیک لینن که پس از فوت او توسط استالین از کار برکنار شد ، به یکی از دوستان خود درباره استالین گفته بود:

«استالین دست کمی از چنگیز خان ندارد . او دیر یا زود همه ما را خواهد کشت!»

طولی نکشید که این پیشگویی به حقیقت پیوست. از خروشچف نقل شده است که:

«استالین هر وقت از کاخ کرملین یا منزل خود خارج می شد با این که جلوی شیشه های اتومبیل او پرده کشیده بودند، اما آنی راحت نبود و مدام به اطراف نگاه می کرد . در

